ایران ورزشی

روزنامه ورزشی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی ■ تلفن: ۱۴ ـ ۸۸۵۰۴۱۱۳ ■ نمابر: ۸۴۷۱۱۱۷۳ ■
سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ـ ۸۸۵۰۱۳۰۰ ـ۸۸۷۴۶۵۸۳ ■ انتشارات: ۵ و ۸۸۵۴۸۸۹۲ ■ امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰ ـ ۸۸۵۲۱۹۵۴ ■
نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ / صندوق پستی ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ ■ چاپ: ایرانیان

@iranvarzeshii

سه‌شنبه ۲۴ خرداد ۱۴۰۱- شماره ۷۰۵۶

نظر خود را به این شماره پیامک کنید 13 12 45 3000

WWW.INN.IR

info@inn.ir

پرونده

به صخره خوردیم؟

مازیار فیروزی: در ماه‌های گذشته تا انتقادی از دراگان اسکوچیچ می‌شد موافقانش می‌گفتند: «چه کسی ما را از جهنمی که برای‌مان ساخته بودند نجات داد؟ چه کسی می‌توانست از سه بازی پایانی‌مان با عراق و بحرین و هنگ‌کنگ همه امتیازها را بگیرد.» و منتقدان هم می‌گفتند: «عیار ما در بازی با تیم‌های بزرگ مثل کره جنوبی مشخص می‌شود!»

در تهران با کره جنوبی مساوی کردیم و در سئول به آنها باختیم تا کفه ترازو به نفع منتقدان سنگین شود. از همان بازی بود که انتقادها آغاز شد؛ تلاش‌های مجازی برای برداشتن اسکوچیچ و جایگزینی یک سرمربی شش دانگ (به زعم منتقدان) که بتواند کار را برای‌مان در جام جهانی دربیاورد. قرعه‌کشی جام جهانی که انجام شد این انتقادها بیشتر شد. همگروهی با انگلیس، امریکا و ولزنگرانی‌ها را بیشتر کرد و شکست مقابل تیم دوم و حتی سوم الجزایر، دیگر لرزه را به جان فوتبالی‌ها انداخت. حالا اسکوخیلی منتقد دارد و کاریزمایی که ندارد باعث شده تا خود مسئولان هم بیشتر به فکر آنچه در فضای مجازی تغییر کادر فنی نامیده می‌شود، بیفتند.

الجزایر تیمی نبود که یقه ما را در گرمای دوحه بگیرد، آن هم با تیم دست و پا شکسته؛ اما گرفت. اسکوچیچ می‌ماند یا می‌رود را کسی نمی‌داند اما این حرف منتقدان سبک بازی تیم ملی دارد به کرسی می‌نشیند که فوتبال ایران دارد به صخره می‌خورد و تا دیر نشده باید فکری به حالش کرد!

در انتظار بدترین جام جهانی تاریخ!

کابوس یک مجازات هولناک

سعید آقایی ■

1

این یک کابوسِ تمام عیار بود؛ کابوسی به بلندای یک خواب آشفته که ظاهراً قرار است در جام جهانی تعبیر شود. آنجا که دیگر خبری از بهانه‌های کلیشه‌ای نیست. تیمی که بدترین پروسه آماده‌سازی جام جهانی را پشت سر گذاشته، قرار نیست در قطر ۲۰۲۲ رستگار شود. تیمی که از منظر کیفی و کمی فاصله بعیدی با رقبا دارد و در خوشبینانه‌ترین وضعیت حتی روی کاغذ هم نمی‌تواند از هیچ زاویه چه سازماندهی، چه کیفیت، چه کلاس، چه تعداد بازیکن، چه مربی و... همپای رقبا باشد، با این شرایط و کیفیت آماده‌سازی قطعاً فرجام تاریکی در جام جهانی خواهد داشت. این یک پیش‌بینی تلخ اندیشانه برای تیم ملی نیست، این حقیقتی است که با نظاره شرایط تیم ملی به صورت‌مان سیلی می‌زند.

اولین و آخرین بازی دوستانه ایران در نخستین و طولانی‌ترین فیفادی در مسیر جام جهانی برابر الجزایر یک بازی نگران‌کننده بود که هاشورهای پررنگی از دلشوره را به چهره این تیم کشید. نمایش ضعیف و رقت‌بار تیم ملی در برابر الجزایر و شکست عجیب البته اتفاقی چندان دور از انتظار نبود چه آنکه مشکلات تیم ملی از مدت‌ها قبل آغاز شده بود و بازی با الجزایر در حقیقت نمایش عینی این مشکلات و اتفاقات نومیدکننده پیرامون تیم ملی به شمار می‌رفت. تیمی که ابتدا برای برگزاری دیدار دوستانه با یک تصمیم عجیب اردوی کانادا برای مهم‌ترین و طولانی‌ترین بخش آماده‌سازی‌اش در مسیر جام جهانی برگزید؛ جایی که سایه سیاست همیشه بر هر مسأله دیگری اولویت داشته و به‌دلیل اتفاقات سیاسی اخیر پررنگ‌تر شده، آشکار مشخص بود این اردو و بازی دوستانه‌اش هرگز به سرانجام نخواهد رسید اما ظاهراً شوق سفر به کانادا و ویزای ینگه دنیا برای عاشقان سفر و فدراسیون‌نشینان به اندازه‌ای بود که مصلحت تیم ملی و آماده‌سازی برای جام جهانی را فدای این شوق کردند تا تیم ملی بازنده اصلی این قمار بزرگ باشد. در یک برنامه‌ریزی بد و فاجعه بار در مهم‌ترین و طولانی‌ترین پروسه آماده‌سازی تیم ملی سرانجام اردوی قطر را انتخاب کرد؛ انتخابی که نه از روی اختیار بلکه از سر اجبار و استیصال بود چه آنکه اردوی قطر بواسطه توافق‌های رئیس معزول و قبلی فدراسیون برای تیم ملی رایگان در می‌آمد و از همین رو فدراسیون‌نشین‌ها که صدای طبل توخالی‌شان گوش فلک را پر کرده، ترجیح دادند تا در گرمای بالای ۴۰ درجه قطر و در شرجی دوحه تیم ملی اردو بزند و به یک جلسه تمرین در روز اکتفا کند. پر واضح بود که این اردوی بی‌خاصیت قطعاً دستاوردی از منظر فنی نخواهد داشت و تنها دلخوشی برگزاری چند بازی دوستانه بود که می‌توانست در مسیر آماده‌سازی به تیم ملی کمک کند اما در این بخش هم فدراسیون و هیأت رئیسه بی‌خاصیت اوج انفعال و بی‌تدبیری خود را عیان کردند تا تیم ملی تنها یک بازی دوستانه آن هم در آخرین روز اردو و البته با یک حریف نیم بند داشته باشد. فدراسیونی که از پیش از آغاز اردوی تیم ملی کلی نام دهان پرکن از کانادا، کاستاریکا، السالوادور، کلمبیا، اکوادور، آفریقای جنوبی، اروگوئه، کنگو، کامرون و... را به‌عنوان بازی دوستانه ردیف کرد اما در عمل از جور کردن یک حریف تدارکاتی عاجز بود تا سرانجام با خواهش و تمنا و کلی واسطه تراشی الجزایر نیم بند بدون ستاره‌های اصلی اش از ریاض محرز گرفته تا بغداد بونجاح و یاسین بهرامی و... مقابل ایران صف آرایی کند. تیمی که برخی از بازیکنانش نخستین بازی ملی خود را برابر ایران انجام دادند و کنایه‌آمیز که تیم ناآماده ایران به همین الجزایر بی‌ستاره و نیم بند هم باخت.

2

با این تدارکات غلط و بد و فاجعه‌بار که حتی اعتراض بازیکنان و سرمربی همیشه ساکت و موافق تیم ملی را هم درآورده، مشخص بود که درون زمین نیز باید در انتظار یک بازی بی‌کیفیت از تیم ملی باشیم اما نمایش تیم ملی برابر الجزایر به اندازه‌ای بد، ضعیف، پراشتباه و فاجعه‌بار بود که همه را نگران سرنوشت تیم ملی در جام جهانی کرد. تیمی که اگر قرار باشد با این سطح از آمادگی و با این کیفیت در قطر ۲۰۲۲ به میدان برود، بی‌تردید کیسه بوکس حریفان و بدترین تیم جام جهانی خواهد شد.

در وهله نخست ترکیب اشتباه و چینش غلط اسکوچیچ بود که نگرانی‌ها را در دقیقه صفر بیشتر کرد. استفاده از امید نورافکن در دفاع میانی که در زندگی‌اش هرگز برای یک بار هم در پست دفاع مرکزی به میدان نرفته با اصرار دائمی بر استفاده از صادق محرمی با کیفیت زیر متوسط در دفاع راست از جمله اشتباهات بزرگ اسکوچیچ در چینش اولیه بودند و همین سبب شد تیم ایران در فاز تدافعی نمایشی به غایت بد و پراشتباه داشته باشد که با هر حمله نیم‌بند مهاجمان گمنام حریف به خود می‌لرزید. در نهایت همین چینش غلط و نمایش بد به یک پنالتی دور مانده از چشم داور و یک گل با پاس بازیکن ما منجر شد تا در نیمه نخست هیچ حرفی برای گفتن نداشته باشیم.

در نیمه دوم اسکوچیچ با سه تعویض همزمان و فرستادن یک دفاع تخصصی به قلب دفاع و بردن نورافکن به چپ این اشتباه را ترمیم کرد و کنایه‌آمیز اینکه نورافکن فاجعه در قلب دفاع، در پست آشنای دفاع چپ گل ایران را ساخت اما به رقم این تغییرها و این تعویض‌ها باز هم نمایش ایران حتی در نیمه دوم نیز چندان چنگی به دل نزد و تنها اندکی از کیفیت فاجعه بار نیمه نخست فاصله گرفت.

تیم ملی در این بازی اشکالات متعدد فراوانی داشت؛ انتقال توپ از دفاع به حمله به سختی و با جان کندن انجام می‌شد، در موقعیت‌سازی و طراحی حمله هیچ طرحی نداشتیم، هافبک‌های ایران چه در فاز دفاعی و چه در فاز حمله موفق نبودند و عملاً از جریان بازی خارج شده بودند و در دفاع و دروازه هم اشتباهات سریالی و مرگباری داشتیم که می‌توانست شکست ایران را پرگل‌تر کند اگر فقط یک ریاض محرز یا بغداد بونجاح در ترکیب الجزایر وجود داشت.

عدم وجود سازماندهی در دفاع و حمله، نداشتن برنامه و پلن، آشفتگی و درهم ریختگی تیمی و اشتباهات سریالی برآیند نمایش نومیدکننده و رقت‌بار ایران در برابر الجزایر بودند که دلشوره‌ها را در فاصله قریب به ۴ ماه مانده به جام جهانی به اوج رساند. این تیم از هم گسیخته، شلخته، بدون برنامه، ناآماده و البته با مربی نه چندان با کیفیتش در جام جهانی به بدترین شکل ممکن مجازات خواهد شد، اگر شرایط تا آن روز تغییر نکند. تغییری که با این فدراسیون بی‌کفایت و شرایط موجود چندان امیدی به آن نیست.

حاشیه روز

چرا طارمی سر نورافکن فریاد کشید؟

یکی از نقاط تاریک بازی ایران مقابل الجزایر فریادهایی بود که مهدی طارمی بر سر امید نورافکن زد. ملی‌پوش ایرانی باشگاه پورتو در یک صحنه که قصد داشت ضربه کاشته بازیکن الجزایر را دفع کند، خودش دچار اشتباه شد و توپ را در حالتی نامتعادل به کرنر فرستاد. بعد از این اشتباه طارمی بی‌جهت سر امید نورافکن فریاد زد تا صحنه زشتی در جریان بازی تدارکاتی تیم ملی مقابل الجزایر به ثبت برسد. سؤالی که سرمربی تیم ملی فوتبال ایران باید خود را ملزم به پاسخگویی آن بداند این است که چرا بازیکنان تیم ملی در هر جایگاه و منزلتی به خود اجازه می‌دهند در جریان بازی این چنین سر هم تیمی‌های خود فریاد بکشند؟ چرا سرمربی تیم ملی عرصه را تا این حد برای دانه درشت‌ها بازگذاشته تا ولو با اشتباهاتی که از برخی بازیکنان کم تجربه‌تر سر می‌زند، این چنین واکنش نشان دهند؟! بدون شک اگر در آن صحنه بازیکن بزرگ‌تری در کنار مهدی طارمی بود، این بازیکن چنین رفتاری انجام نمی‌داد اما شاید سوابق کمتر نورافکن در تیم ملی و احتمالاً نبود رابطه مناسب میان او و این بازیکن سبب شده تا چنین رفتار عجیبی را انجام دهد. تردیدی نیست اگر اسکوچیچ تا شروع جام جهانی فوتبال نتواند انضباط درون تیم را به اوج برساند، تیم ملی در جام جهانی نیز با مشکل مواجه خواهد شد چون در آن میدان بازی‌های به مراتب سخت‌تری در انتظار تیم ملی ایران خواهد بود و نیاز است بازیکنان با تسلط بیشتر روی افکار خود وارد این میدان شوند.

نگرانی روز

بحران دفاع و دروازه‌بان در تیم ملی

شکست تیم ملی فوتبال ایران در بازی با تیم ملی فوتبال الجزایر ضعف‌های بزرگ دفاعی تیم ایران را عیان کرد. اسکوچیچ که تا پیش از این مقابل تیم‌های نه چندان مطرح قاره آسیا توانسته بود آمار قابل قبولی در بخش دفاعی از خود به جا بگذارد، در یکی از معدود بازی‌های دشواری که در قامت سرمربی با تیم ملی ایران تجربه کرد، شکست دیگری را در کارنامه خود به ثبت رساند. اسکوچیچ در حالی نتوانست مقابل تیم ملی فوتبال الجزایر به نتیجه امیدوارکننده‌ای دست یابد که حریف نیم بیشتری از بازیکنان شاخص خود را در اختیار نداشت و با تیم دوم خود به این پیکار آمده بود. با وجود این اما تیم اسکوچیچ نتوانست از سد تیم الجزایر بگذرد و با نتیجه ۲ بر یک شکست خورد. شکستی که آشفتگی‌های دفاعی تیم ملی را عیان کرد و نشان داد در فاصله ۵ ماه مانده تا شروع جام جهانی فوتبال، تیم ملی ایران هیچ آمادگی و هماهنگی در بخش دفاعی ندارد و بیم آن می‌رود که در همان اولین بازی مقابل تیم ملی فوتبال انگلیس شکستی تلخ نصیب فوتبال ایران شود و تیم ایران با روحیه‌ای ضعیف گام به بازی مقابل امریکا و ولز بگذارد.

در بخش دفاعی تیم ایران، چیدمان نامناسب و به کارگیری نفراتی که از لحاظ آمادگی در سطح نازلی قرار داشتند، کاملاً به چشم آمد. بخصوص امیر عابدزاده که بار دیگر نشان داد هرگز دروازه‌بان آماده و قبراقی برای تیم ملی فوتبال ایران نیست و اسکوچیچ باید در دروازه تیم ملی تحولی اساسی ایجاد کند تا شاید تیم ملی در جام جهانی مقابل رقبای سرسختی همچون انگلیس کیسه گل نشود.

گزارش روز

آرمن ساروخانیان

۹ مشکل بزرگ تیم اسکوچیچ مقابل الجزایر

جلوی این فاجعه را بگیرید!

هرچند گفته می‌شد که الجزایر با تیم ضعیفی به قطر آمده، ولی جمال بلماضی مقابل ایران ترکیب خوبی به زمین فرستاد و این بازی تدارکاتی فرصتی شد تا عیار تیم اسکوچیچ در فاصله پنج ماه تا جام جهانی مشخص شود. الجزایر که با نیمی از بازیکنان اصلی‌اش بازی می‌کرد، تیم ملی را در دقایق زیادی از بازی به دردسر انداخت و حالا می‌توانیم با اطمینان بگوییم که اگر در این زمان کوتاه برنامه‌ای برای ارتقای کیفیت این تیم طراحی نشود، در جام جهانی نتایج تأسف‌باری در انتظارمان خواهد بود.

نکته مهم دیگر این که سقف محدود توانایی‌های اسکوچیچ در دوحه آشکار شد و اگر در فدراسیون چشم‌های بینایی باشد، به فکر تغییر اساسی در نیمکت تیم ملی خواهد بود. تیم ملی در برابر الجزایر مشکلات پرشماری داشت که می‌توان به موارد زیر خلاصه کرد:

1 اشتباهات پرشمار عابدزاده

امیر عابدزاده مقابل الجزایر چند اشتباه بزرگ داشت و او را باید از جمع گزینه‌های مطمئن کنار گذاشت. گاهی از عابدزاده واکنش‌های خیلی خوبی می‌بینیم، ولی نوسان برای پست دروازه‌بان بزرگترین آفت است و شماره یک تیم ملی نباید بالا و پایین زیادی داشته باشد. می‌توان گفت که عابدزاده بخش برای حضور در ترکیب اصلی را در این بازی از دست داد و کادر فنی تیم ملی از حالا باید تمرکزش را روی گزینه‌های دیگر بگذارد. برای رسیدن به یک گزینه مطمئن هنوز زمان زیادی وجود دارد؛ فراموش نکنید که در جام جهانی ۲۰۱۴ کی‌روش در آخرین روزها به انتخاب نهایی برای دروازه رسید.

2 ساختار دفاعی شکننده

تیم ملی بازی را با زوج مجید حسینی و نورافکن شروع کرد که ناهماهنگ و پراشتباه بود. در نیمه دوم با آمدن آقاسی به جای نورافکن و انتقال او به دفاع چپ، قلب دفاع تقویت شد، ولی باز هم این دفاعی نیست که بتوان با آن مقابل حریفان گروه B جام جهانی ایستادگی کرد. هرچند برنامه اسکوچیچ استفاده از زوج شجاع - کنعانی است، ولی مشکل دفاع به اشتباهات فردی محدود نمی‌شود و خبری از پوشش، لایه‌های دفاعی و نظم ساختاری نیست و در چنین شرایطی خطر شکست‌های پرگل تیم ملی را تهدید می‌کند.

3 مدافعان کناری متزلزل

مدافعان چپ و راست در فاز دفاع پراشتباه بودند و فضای پشت سر آنها می‌تواند پاشنه آشیل تیم ملی شود. محرمی با وجود پافشاری اسکوچیچ هیچوقت مدافع راست مطمئنی نبوده و حاجی‌صفی و نورافکن مقابل رشید غزال بارها دریبل خوردند. اگر تیم ملی برای این دو پست به نفرات جدیدی نرسد یا اشکالات نفرات فعلی تقویت نشود، در جام جهانی این دو فضای حیاتی را به حریفان واگذار خواهیم کرد.

4 عاجز در برابر پرسینگ

هر دو گل الجزایر به‌دلیل پاس‌های اشتباه بازیکنان تیم ملی در نتیجه پرسینگ حریف بود. روی گل اول جهانبخش که انتظار می‌رود تحت فشار عملکرد بهتری داشته باشد، توپ را از میانه زمین به مهاجم الجزایر پاس داد. گل دوم نتیجه دفع توپ ناشیانه نورافکن بود که می‌توانست پاس به عقب بدهد یا توپ را به بیرون بفرستد، ولی تصمیم اشتباهی گرفت.

اگر برنامه اسکوچیچ بازسازی خط به خط است، تیم ملی نیاز به تمرینات بیشتر دارد، ولی توانایی و پتانسیل فعلی تیم ملی با چنین هدفی فرسنگ‌ها فاصله دارد. قطعاً پرسینگ انگلیس، ولز و امریکا شدیدتر از الجزایر خواهد بود، ولی به نظر می‌رسد که کادر فنی هنوز نمی‌داند در جام جهانی چه فشاری در انتظار تیمش است.

5 ابهامات خط میانی

به نظر می‌رسید که اسکوچیچ برای خط میانی روی زوج عزت‌اللهی - نوراللهی نظر دارد، ولی این ترکیب در نیمه اول جواب نداد و او برای کنترل زمین مجبور به تغییر در این خط شد. دعوت دوباره از امید ابراهیمی هم نشان می‌دهد که او به دنبال محک زدن گزینه‌های متفاوت است. تیم ملی بازی را با چیدمان ۲-۴-۴ شروع کرد، ولی روند بازیسازی‌اش با پرس سنگین حریف مختل شد تا اسکوچیچ در نیمه دوم مجبور به اضافه کردن یک هافبک دیگر شود.

او تصور می‌کرد که در بازی‌های بزرگ هم مثل بازی با بحرین یا عراق می‌تواند با این سیستم بازی کند، ولی بعد از هشدار بازی با الجزایر انتظار می‌رود که او برای فشردگی بیشتر در مرکز زمین با سه هافبک میانی بازی کند.

6 پایان زوج طارمی - آزمون

زوج طارمی - آزمون که تصور می‌شد نقطه قوت تیم ملی باشد تنها یک نیمه دوام آورد و اسکوچیچ برای خروج از فشار حریف مجبور شد یکی از مهاجمان مطرحش را قربانی کند. با توجه به ساختار دفاعی ضعیف تیم ملی، بازی با دو مهاجم نوک در بازی‌های سخت جام جهانی ریسک خیلی بزرگی است. به نظر می‌رسد تنها راه حل استفاده همزمان از این دو مهاجم این است که طارمی به‌عنوان گوش بازی کند، مانند آنچه در جام جهانی روسیه دیدیم.

7 ترکیب مبهم تیم ملی

در فاصله کمتر از ۶ ماه تا جام جهانی هنوز اسکلت تیم ملی ناشناخته است و مشخص نیست که اسکوچیچ که بازی‌های تدارکاتی محدودی دارد، چه زمانی می‌خواهد ترکیبش را بشناسد. فعلاً فقط حضور زوج قلب دفاع (اگر شجاع و کنعانی مصدوم نباشند)، طارمی و تا حدودی جهانبخش قطعی است و به نظر می‌رسد در سایر پست‌ها هنوز به گزینه مطمئن نرسیده‌ایم.

8 طارمی تغذیه نمی‌شود

طارمی یکی از آماده‌ترین مهاجمان فصل قبل لیگ پرتغال و حتی فوتبال اروپا بود، ولی در بازی با الجزایر حتی یک بار هم بدرستی تغذیه نشد. مشخص نبود که نقشه حمله اسکوچیچ کدام است و چه کسی باید توپ را به مهاجم پورتو برساند. او فرارهای خوبی پشت دفاع داشت، ولی با ناهماهنگی بقیه بازیکنان دوندگی‌هایش بی‌نتیجه ماند. صحنه بارز این سردرگمی در اواسط نیمه دوم بود که نورافکن حین نفوذ به جای پاس پشت دفاع به طارمی، توپ را به لب خط فرستاد تا مهاجم پورتو معترض شود.

9 خطر فروپاشی ذهنی

به نظر می‌رسد که اسکوچیچ کنترل کافی روی تیمش ندارد و مدیریت این مجموعه فراتر از توان اوست. در شرایطی که تیم ملی از الجزایر عقب افتاده بود، بعضی از بازیکنان مضطرب و عصبی شده بودند. اگر چنین شرایطی در جام جهانی تکرار شود، مربی کروات کسی نیست که بتواند بحران مشابهی را مدیریت کند. این سناریویی است که در جام جهانی ۲۰۰۶ اتفاق افتاد و تعدادی از بازیکنان کلیدی تیم ملی با برانکو اختلاف پیدا کردند. تکرار چنین اتفاقی در قطر می‌تواند به یک فاجعه ختم شود و کارآیی تیم ملی را به حداقل برساند.

طنزیم

هومن جعفری

مانچینی سرمربی تیم ملی ایتالیا بعد از تساوی این تیم مقابل انگلیس گفته: «صادقانه باید بگویم که انتظار چنین عملکردی را نداشتم. فکر می‌کردم که شرایط ما خیلی بدتر باشد. ما هنوز باید روی موارد زیادی کار کنیم، راهی طولانی و پر از خطر در پیش داریم.»

از این چند خط نتایج زیر را می‌گیریم:

۱- ببینید اوضاع ایتالیا چقدر خراب است که مقابل انگلیس درب و داغان یک مساوی گرفته‌اند و سرمربی‌اش از خوشحالی اشک شوق ریخته!

۲- تیم ملی پکیجی ایتالیا قرار بوده نتایج افتضاح‌تر بگیرد. بالاخره مانچینی خودش می‌داند چه تیم افتضاحی بسته. نکن آقای مانچینی! جام جهانی را که شوهر دادی رفت! با ایتالیا اینگونه مکن!

نتیجه اخلاقی: به مهدی مهدوی کیا بگویید یک دوره کلاس توجیه باخت و مساوی و حذف شدن برای مربیان اروپایی بگذارد. خیلی عقبند! حتی وقتی نتیجه خوب می‌گیرند، بلد نیستند برای خودشان درست و حسابی کلاس بگذارند!

هشتگ نه به مربی ایتالیایی!

هشتگ نه به سرمربی پکیجی!

هشتگ نه به تیم ملی پکیجی!

تلفات

یک جلسه هیأت رئیسه در ووشو تشکیل شد، دو نفر تلفات داد! خب آقا نمی‌توانید با هم حرف بزنید، چرا استعفا می‌دهید؟ مگر فدراسیون شما ووشو نیست؟ خب این سوسول بازی‌های استعفا چیست؟ مثل مرد در اتاق را ببندید، هرکسی سالم خارج شد حق با اوست! یک مقدار از فدراسیون‌های رزمی انتظارات‌مان بیشتر است. استعفا را در شطرنج هم می‌شود داد!

به ما چه!

می‌خواستم توصیه کنم یک کمپینی بگذاریم برای اینکه جواد خیابانی بازی‌های تیم ملی را گزارش نکند. بعد به این نتیجه رسیدم که اول یک کمپین بگذاریم که استیلی سرپرست تیم ملی نباشد! بعد دیدم واجب‌ترش این است که یک کمپین بگذاریم که اسکوچیچ را از تیم ملی بردارند! بعد دیدم از این مهم‌تر این است که کمپین بگذاریم که میرشاد از فدراسیون برود! بعد دیدم مهم‌ترش این است که یک کمپین بگذاریم که اجازه بدهند یک رئیس قوی به فدراسیون بیاید. بعد دیدم شاید مهم‌ترش این باشد که یک کمپین بگذاریم که سجادی را از وزارت ورزش بردارند!

اگر منتظر هستید که من بالا بردن سطح کمپین را ادامه بدهم سخت در اشتباه هستید. ما اینجا طنز نمی‌نویسیم. کمپین گذار نیستیم، خیلی هم همه چیز خوب است. تیم ملی هم خیلی خوب است. خیابانی هم گزارشگر خوبی است. اسکوچیچ مربی خارجی است. زبان خارجی بلد است. استیلی هم سی سال قبل در جام جهانی گل زده. میرشاد هم در حال زحمت کشیدن است. سجادی هم وزیر خوبی است! ما چکار داریم به این حرف‌ها؟ والا! لابد مدیران ورزش ایران که حقوق‌شان از ما بیشتر است، عقلشان هم از ما بیشتر است دیگر!

خودشان می‌دانند چه بکنند! چه دردی است آدم بیاید خودش را خراب بکند که تهش چه اتفاقی بیفتد؟ اسکوچیچ برود یحیی بیاید؟ به ما چه اصلاً!

توییت روز

طعنه کارشناس الجزایری: با تیم دوم خود ایران را شکست دادیم

تیم ملی فوتبال الجزایر یکشنبه‌شب در دیداری تدارکاتی در شهر دوحه موفق شد با نتیجه ۲ بر یک تیم ایران را شکست بدهد. الجزایر پیش از این در دو دیدارهای مقدماتی جام ملت‌های آفریقا برابر اوگاندا و تانزانیا پیروز شده بود.

«علی بن شیخ» بازیکن سابق تیم ملی فوتبال الجزایر بعد از دو برد این تیم برابر اوگاندا و تانزانیا گفته بود که پیروزی الجزایر به خاطر ضعیف بودن حریفان‌شان بوده است.

همین موضوع باعث شد تا «حفیظ دراجی» کارشناس و خبرنگار الجزایری بعد از پیروزی این تیم مقابل ایران، به علی بن شیخ کنایه بزند.

دراجی در صفحه فیس بوک خود نوشت: «تیم دوم الجزایر ۲ - ایران صعود کرده به جام جهانی یک. الجزایر مثل یک کشتی است که باد و امواج آن را تکان می‌دهند اما غرق نمی‌شود.»

وی سپس با طعنه نوشت: «برنده شدیم شاید به این دلیل که تیم ملی ایران خیلی ضعیف است.»

اشکالات تاکتیکی عدیده

رحمان رضایی* ■

اولین نکته‌ای که در جریان بازی ایران - الجزایر به چشم آمد، مکان برگزاری بازی بود که به شدت نامناسب بود. محل برگزاری بازی دوستانه و به طور کلی اردوی تیم ملی اصلاً مناسب این زمان نبود و بعید می‌دانم که تیمی این روزها در قطر باشد. در این گرما املاح از بدن بازیکن خارج شده و از عقلانیت به دور است و بازی دوستانه در این دما کاملاً غیرمنطقی می‌نماید. شاکله اصلی بازیکنان تیم ایران لژیونر هستند و از همین رو می‌توانستند کشور بهتری را برای اردو در نظر بگیرند تا شرایط بازیکنان بهتر باشد.

فارغ از نتیجه که می‌توانست حتی تساوی و یا باخت سنگین‌تری برای ایران داشته باشد، کیفیت بازی تیم ما بود که اشکلات بسیاری داشت. تیم ایران در فاز تاکتیکی دچار مشکل عدیده‌ای بود. ما نمی‌توانستیم با این تیم از عقب بازی‌سازی را شروع کنیم. اگر چه بازیکنان ایران به لحاظ فردی غنای تاکتیکی بالایی دارند ولی همین مشکلات تاکتیکی در این بازی و بویژه در بعد هوش بازی بود که همچنان وجود داشت و ما با این شرایط در جام جهانی و مقابل تیم‌های مطرح اروپایی قطعاً مشکلات بیشتری خواهیم داشت. در بازی مقابل الجزایر با داشتن ۲ هافبک دفاعی مثل نوراللهی و عزت‌اللهی در رفت و برگشت به شدت کارمان گره خورده بود. در خط دفاعی بازیکنان در کانال توپ نبودند و به دلیل تأخیر هافبک‌ها بارها در پشت محوطه ما به حریف خطا دادیم که در جام جهانی با وجود بازیکنان کاشته زن خوب در گروه‌مان دردسر برای خود ایجاد خواهیم کرد.

نحوه ایستادن وینگرها هم عمده مشکل ما بود که در بازی عراق و امارات هم مشاهده کرده بودیم ولی فکری ظاهراً برای آن نشده. حتی نحوه ایستادن بازیکن‌ها چه در دفاع و چه در حمله اشتباه بود.

*مدافع سابق تیم ملی